


بررسی تطبیقی روش تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی

سید محمد اسماعیلی / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

Esmaeili@Quran.ac.ir

 orcid.org/0000-0002-2748-782X



<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>

دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۱ - پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۳۰

چکیده

«تفسیر موضوعی» به معنای گردآوری آیات قرآن کریم درباره یک موضوع خاص و استنتاج آنها به منظور دستیابی به دیدگاه قرآنی در خصوص یک موضوع است. در این تحقیق با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی روش تفسیر موضوعی دو اندیشمند بزرگ آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی بررسی گردیده و وجوه تشابه و تمایز روش‌ها ارائه شده است. در شیوه انتخاب و ترتیب موضوعات در تفاسیر موضوعی، هر دو استاد در انتخاب موضوعات، هم از موضوعات درون‌متنی و هم موضوعات برون‌متنی استفاده کرده‌اند؛ اما در شیوه چیش موضوعات، یکسان عمل نکرده‌اند و چیش آیت‌الله مصباح یزدی ترجیح دارد؛ زیرا از مسائل مهم و اساسی دین شروع می‌شود و جایگاه موضوعات به ترتیب آمده است. از دیگر امتیازات شیوه آیت‌الله مصباح یزدی در جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات، محور قرار دادن توحید است. در تفاسیر موضوعی هر دو استاد به قواعد تفسیری توجه شده است؛ همچون توجه به سیاق و نکات ادبی. آیت‌الله مصباح یزدی در موارد متعددی متعرض دیدگاه مفسران شیعه و سنی شده است، به‌ویژه دیدگاه‌های استاد خود علامه طباطبائی را در مکرر ذکر کرده و گاهی ادله‌ای برای رد آن آورده و این نشانه آزاداندیشی ایشان در اظهارنظرها و دیدگاه‌هاست. هر دو مفسر از روایات استفاده کرده‌اند و در این زمینه تفاوتی میان آنها وجود ندارد. با توجه به اینکه هر دو مفسر از شاگردان برجسته علامه طباطبائی به‌شمار می‌آیند و علوم عقلی را از محضر ایشان فراگرفته‌اند، دیدگاه‌های نسبتاً نزدیکی در استفاده از برهان‌های عقلی دارند و گرایش تفسیر عقلی در تفسیر هر دو مفسر به‌چشم می‌خورد.

کلیدواژه‌ها: روش تفسیر، تفسیر موضوعی، آیت‌الله مصباح یزدی، آیت‌الله جوادی آملی.

آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی از جمله اندیشمندانی هستند که تفسیر موضوعی را در عصر حاضر کاری ضروری دانسته و خود به این مهم اقدام کرده‌اند. این دو استاد از شاگردان برجسته علامه طباطبائی به‌شمار می‌روند و در درس تفسیر ایشان شرکت داشتند و در تألیف تفسیر شریف المیزان نیز به استاد خود کمک می‌کردند. آیت‌الله مصباح یزدی دست‌نوشته‌های تفسیر المیزان را قبل از چاپ، مطالعه و بررسی و دیدگاه‌های خود را به محضر علامه طباطبائی ارائه می‌کرد و گاهی علامه از نظرها و پیشنهادهای ایشان استقبال می‌نمود. همچنین پس از انتشار تفسیر شریف المیزان، آیت‌الله مصباح یزدی جلد چهارم این کتاب را ترجمه کرد (رجبی، ۱۳۸۸).

در زمینه دسته‌بندی موضوعی آیات قرآن کریم آیت‌الله مصباح یزدی طرحی بدیع و ابتکاری پیشنهاد کرده که در مقایسه با طرح‌های پیشین که آیات را بر محور «عقاید، احکام و اخلاق» یا بر محور «انسان و ابعاد وجودی او» دسته‌بندی می‌کردند امتیازات چشمگیری دارد. در این طرح، موضوعات آیات محل بحث بر محور «الله» که هستی‌بخش همه کائنات است، دسته‌بندی شده و با الهام از آیه شریفه «أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا...» (رعد: ۱۷) بحث از نقطه معینی آغاز می‌گردد و پس از تکمیل آن در هر مرحله، به ترتیب به مراحل پایین‌تر - که در طول یکدیگرند - می‌رسد و در نتیجه، ارتباطی منطقی میان هر مبحث با مبحث قبل برقرار می‌شود.

در خصوص پیشینه بحث، علاوه بر دو تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی تاکنون آثار فراوانی با رویکرد تفسیر موضوعی تألیف شده است. آیت‌الله جعفر سبحانی بر این باور است که شاید بتوان علامه مجلسی را نخستین کسی دانست که به اجمال از روش «تفسیر موضوعی» بهره برده است؛ زیرا ایشان در آغاز هر موضوع از بحار الانوار، آیات مرتبط را گرد آورده و تفسیری اجمالی از آنها بیان نموده است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۴).

آیت‌الله معرفت نیز تفسیر موضوعی علامه مجلسی را دقیق‌ترین و جامع‌ترین دسته‌بندی آیات قرآن در باب معارف گوناگون اسلامی دانسته که به باور ایشان همچنان بی‌نظیر است (معرفت، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۳۱).

سیدمحمدحسین طباطبائی، مفسر برجسته شیعه، در تفسیر المیزان، موضوعات فراوانی از جمله توحید (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ج ۶ ص ۸۶-۹۱)، امامت (همان، ج ۱، ص ۲۷۰-۲۷۶) و شفاعت (همان، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۸۶) را از منظر قرآن کریم بررسی تفسیری کرده (همان، ج ۱، ص ۱۵۷-۱۸۶ و ۲۷۰-۲۷۶؛ ج ۲، ص ۲۶۰-۲۷۸؛ ج ۶ ص ۸۶-۱۰۴) و از همین رو «پیشگام تفسیر موضوعی» خوانده شده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۶۵).

منشور جاوید، اثر آیت‌الله جعفر سبحانی است که در ۱۴ جلد منتشر شده و مؤلف آن را اولین تفسیر موضوعی فارسی دانسته است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲).

پیام قرآن، تألیف آیت‌الله مکارم شیرازی یکی از تفاسیر موضوعی مهم در حوزه تفاسیر موضوعی شیعی و به زبان فارسی است که در ۴۱ جلد تدوین و ارائه شده است. این تفسیر با کار علمی و پژوهشی جمعی از دانشمندان و پژوهشگران حوزه‌ی و زیر نظر آیت‌الله مکارم شیرازی پدید آمده است. در این تفسیر بیش از هر چیز، موضوعاتی درباره اصول عقاید پنجگانه تفسیر شده است. مباحث گوناگون خدانشناسی، معادشناسی، نبوت عامه و خاصه، امامت و ولایت و مباحثی درباره حکومت اسلامی در قرآن عمده موضوعاتی هستند که به صورت موضوعی تفسیر و تبیین شده‌اند.

آثاری نیز برای تسهیل دسترسی به آیات مرتبط با یک موضوع خاص تألیف شده است که «معجم موضوعی قرآن کریم» خوانده می‌شوند؛ از جمله: فرهنگ موضوعی قرآن کریم (رامیار، ۱۳۶۱)؛ المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم (فؤاد عبدالباقی، ۱۳۶۴)؛ المدخل الی التفسیر الموضوعی للقرآن الکریم (ابطحی، ۱۳۸۹)؛ فرهنگ موضوعی قرآن مجید (فانی و خرمشاهی، ۱۳۹۰)؛ و فروغ بی‌پایان (معادخواه، ۱۳۷۸).

آغازگر تفسیر موضوعی در اهل سنت، شیخ محمد عبده (۱۲۶۶-۱۳۳۳ق) دانسته شده است (عمری، ۱۴۰۶ق، ص ۵۶-۵۷). همچنین شیخ محمود سلطوت (۱۳۱۰-۱۳۸۳ق)، از فقهای اهل سنت، در تفسیر فقهی خود از این روش بهره گرفته (عمری، ۱۴۰۶ق، ص ۶۳) و آثاری از جمله القرآن والقتال و القرآن والمرأة را در همین زمینه تألیف کرده است (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۶۴).

معرفی «معارف قرآن» آیت‌الله مصباح یزدی

۱. **خدانشناسی:** این بخش با بحث شناخت خداوند آغاز می‌شود و با ارائه کلیات و تفصیل افعال الهی خاتمه می‌یابد.

۲. **جهان‌شناسی:** خلقت جهان هستی یکی از افعال الهی است و از این حیث مباحث این بخش با بخش قبلی ارتباط می‌یابد و به اینجا می‌رسد که خلقت همه پدیده‌های جهان مقدم بر خلقت «انسان»، به‌منزله شریف‌ترین مخلوق خداوند بوده است.

۳. **انسان‌شناسی:** در این بخش اثبات می‌شود که انسان موجودی تک‌بعدی نبوده، زندگی او در دنیا مقدمه زندگی اخروی، و او در این سیر نیازمند راه وصول به کمال و جاودانگی است.

۴. **راه‌شناسی:** در این بخش، سخن بر سر شناخت راه درست وصول به سعادت آدمی است. در این زمینه بحث به مباحث رسالت و نبوت و امامت نیز تعمیم داده می‌شود و بدین‌سان با بخش بعدی مرتبط می‌گردد.

۵. **راهنماشناسی:** صفات و ویژگی‌های راهنمایان طریق هدایت و چگونگی هدایت آنان موضوع این مبحث است. حلقه اتصال این مبحث با مباحث بخش بعد، طرح بحث کتب آسمانی پیشین است که به «قرآن‌شناسی» می‌انجامد.

۶. **قرآن‌شناسی:** این بخش قرآن را از زبان خود قرآن معرفی می‌کند و چون در این بخش از تزکیه و تعلیم به‌منزله هدف قرآن سخن به میان آمده است، زمینه بحث «تزکیه» و انسان‌سازی قرآن فراهم می‌آید.

۷. **اخلاق یا انسان‌سازی قرآن:** در این مقام دیدگاه‌های اخلاقی قرآن تبیین می‌گردد و ثابت می‌شود که عبادت و بندگی خدا، تنها اکسیر انسان‌سازی است.

۸. **برنامه‌های عبادی قرآن:** در این بحث به برنامه‌های عبادی قرآن، اعم از برنامه‌های فردی و اجتماعی اشاره می‌شود.

۹. **احکام فردی قرآن؛**

۱۰. **احکام اجتماعی قرآن:** در مقدمه این بخش، به جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن اشاره شده است (پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله مصباح یزدی).

از برجستگی‌های این چنین آن است که از نقطه آغاز هستی شروع می‌شود و - به ترتیب - مراحل «خلق» و «تدبیر» را با حفظ محوریت الله ادامه می‌دهد و سرانجام با بیان ویژگی‌های جامعه آرمانی انسانی پایان می‌یابد.

مجموعه **معارف قرآن** خطوط اساسی تفکر و معارف قرآنی را به صورت جامع دربردارد. در این مجموعه به خرده‌نظام‌ها در فرهنگ اسلامی نیز اشاره می‌شود و نیز به روش «اجتهادی» پایبند است. علاوه بر این، در این تفسیر موضوعی **آیت‌الله مصباح یزدی** مجموعه‌ای از نظریه‌پردازی‌های سرنوشت‌ساز را بیان کرده است. مباحث ایشان در مهندسی فرهنگی و برنامه‌ریزی اجتماعی، کارساز و نقش‌آفرین است و نظریه کلانی به‌شمار می‌رود که در همه عرصه‌های فکری و فرهنگی راهگشاست. ویژگی دیگر این مجموعه آن است که این مجموعه پرکننده خلأها و چالش‌هاست. ایشان به علت خلأهای موجود، این مجموعه معارف را تنظیم کرده است (رجبی، ۱۳۹۹/۱۰/۲۵).

نکته دیگری که از برجستگی‌های کارهای تحقیقی **آیت‌الله مصباح یزدی** به‌شمار می‌رود و در همه مباحث علمی، به‌ویژه در تفسیر موضوعی ایشان هم به‌چشم می‌خورد، مشخص کردن حدود مفهومی واژگان و توضیح آنهاست. ایشان معتقد است: منشأ بخشی از سوءفهم‌ها، مغالطات و اختلاف‌نظرها و خطاها در مباحث علمی، عدم تحدید مفهومی واژگان بحث است. برای آنکه هر مسئله حل روشنی پیدا کند، باید واژگانی که در عنوان آن ذکر می‌شود، کاملاً تبیین گردد و اگر اشتراک یا تشابهی دارد بکلی رفع شود.

معرفی «تفسیر موضوعی قرآن کریم» آیت‌الله جوادی آملی

این تفسیر با گرایش کاملاً عرفانی نگارش یافته و سبک تفسیری آن بر مبنای «تفسیر قرآن به قرآن» بوده و در عین حال، برای تتمیم و تکمیل هر بحث از روایات معصومان علیهم‌السلام نیز استفاده شده است. این تفسیر در هجده جلد با موضوعات ذیل سامان یافته است:

۱. تفسیر قرآن در قرآن: این مجلد به معرفی و شناخت این کتاب الهی و برخی مبانی فهم آن پرداخته است.
۲. توحید در قرآن: در این مجلد پس از طرح مباحث کلی توحید، ابعاد گوناگون موضوع در سه بخش (قرآن و راه‌های شناخت خدا، مراتب توحید، و نفی شرک) مطرح شده است.
۳. وحی و نبوت در قرآن: در یک مقدمه و سه بخش تدوین شده که عبارتند از: وحی، نبوت عام و نبوت خاص.
- ۴ و ۵. معاد در قرآن: این دو مجلد در نگاهی جامع به زوایای متعدد موضوع، مطالب در دوازده بخش سامان یافته است.
- ۶ و ۷. سیره پیامبران در قرآن: این دو مجلد شامل ۲۲ بخش، سیره پیامبران را تجزیه و تحلیل کرده است.
- ۸ و ۹. سیره رسول اکرم ﷺ در قرآن: در یک مقدمه و ده بخش تفسیر شده است.
۱۰. مبادی اخلاق در قرآن: این کتاب عهده‌دار تبیین برخی مبادی اخلاق از منظر وحی است و در بخش یکم از رابطه جهان بینی و اخلاق، بخش دوم از رابطه انسان و اخلاق، و بخش سوم درباره اهمیت و آثار اخلاق بحث می‌کند. بخش پایانی کتاب نیز عنایت علمی و عملی فرزندانگانی بشری به اخلاق را ارزیابی می‌نماید.
۱۱. مراحل اخلاق در قرآن: این مجلد دارای سه بخش است که بخش اول آن با موضوع «موانع نظری و عملی سیر و سلوک»، بخش دوم «مراحل مانع‌زدایی از سیر و سلوک» و بخش سوم «مقامات عارفان و مراحل سیر و سلوک» نگارش یافته است.
۱۲. فطرت در قرآن: مجلد دوازدهم با این عنوان، نگاهی فراشمول به موضوع فطرت در سه بخش (مبادی و کلیات فطرت، فطری بودن بینش و گرایش به خدا، و دین در قرآن) دارد و عوامل و موانع شکوفایی فطرت در انسان را تفسیر می‌کند.
۱۳. معرفت‌شناسی در قرآن: در یک مقدمه گسترده و عمیق و چهارده فصل، ابعاد گوناگون این موضوع را مطرح نموده است.
۱۴. صورت و سیرت انسان در قرآن: در یک مقدمه و دو بخش سامان یافته است: بخش اول صورت آدمی در کتاب الهی (مبادی سه‌گانه انسان در قرآن)؛ و بخش دوم سیرت الهی انسان در قرآن کریم.
۱۵. حیات حقیقی انسان در قرآن: در دو بخش تدوین گردیده است: اول. ترسیم نهایی انسان براساس حکمت نظری و عملی قرآن؛ دوم. سیری کوتاه در برخی از نظرات انسان‌شناختی.
۱۶. هدایت در قرآن: در پنج بخش، نگاهی جامع به موضوع هدایت دارد.
۱۷. جامعه در قرآن: در شش بخش (کلیات، ساختار جوامع انسانی، اسلام آیین زندگی، جامعه در قرآن، اسلام و جامعه؛ موانع و راهکارها، و اسلام در جهان معاصر) تنظیم شده است.
۱۸. ادب توحیدی انبیا در قرآن: در دو بخش (کلیات، و بررسی تطبیقی ادب انبیا در قرآن) نگارش یافته است.

مفهوم‌شناسی «تفسیر موضوعی»

«تفسیر موضوعی» اصطلاح جدیدی است که در قرن اخیر قرآن‌پژوهان به‌عنوان عدل «تفسیر ترتیبی» مطرح کرده‌اند و مقصود از آن بیان مفاد واژگان و عبارات آیات قرآن کریم و پرده برداشتن از مراد خداوند در موضوعی با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن موضوع و براساس روش گفت‌وگوی عقلایی و ادبیات زبان عربی است (رجبی، ۱۳۸۸).

«تفسیر موضوعی» بیان آموزه‌های مرتبط با یک موضوع خاص با توجه به آیات گوناگون قرآن کریم در یک یا چند سوره است (مسلم، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶).

گردآوری آیات مرتبط با یک موضوع در قرآن کریم و بررسی آنها برای به‌دست آوردن نظر قرآن نیز «تفسیر موضوعی» خوانده شده است (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۲۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱).

شهید سیدمحمدباقر صدر «تفسیر موضوعی» را مهم‌تر از «تفسیر ترتیبی» (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۰-۴۳) و استفاده از آن را تنها راه برای استخراج نظریه‌های اسلامی از قرآن کریم دانسته (همان، ص ۲۸-۳۷) و بر این باور است که تفسیر ترتیبی هرگز از فهم معنای ظاهری الفاظ و آیات قرآن فراتر نمی‌رود و موفقیت چندانی در گسترش اندیشه‌های اسلامی نداشته است (همان، ص ۳۴-۳۵). وی همچنین گسترش علم فقه را وامدار رویکرد موضوعی به احادیث معصومان می‌داند و معتقد است: برای پاسخ‌گویی به نیازهای گسترده و پیچیده، باید از روش «تفسیر موضوعی» بهره برد (همان، ص ۲۵-۲۸).

به باور آیت‌الله مصباح یزدی، تنها با استفاده از تفسیر موضوعی و عرضه معارف قرآن به صورت نظام‌مند می‌توان نظام فکری منسجمی براساس قرآن کریم فراهم ساخت و با نظام‌های فکری انحرافی مقابله کرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۳، ص ۸-۱۰).

آیت‌الله سبحانی با تأکید بر ضرورت رویکرد به تفسیر موضوعی و پرهیز از تکرار تفسیر ترتیبی، تفسیر موضوعی را مجالی برای گشوده شدن آفاق عظیمی در علوم و معارفی دانسته است که هیچ‌گاه از تفسیر ترتیبی حاصل نمی‌شوند (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۱).

بررسی تطبیقی روش و مراحل تفسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی

با مقایسه روش و مراحل تفسیر موضوعی دو مفسر گرانقدر آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی وجوه تشابه و تمایز در شیوه انتخاب و ترتیب موضوعات، جمع‌آوری آیات و استفاده از قواعد و منابع تفسیری و جمع‌بندی آیات بررسی می‌گردد:

۱. شیوه انتخاب و ترتیب موضوعات

نخستین مرحله در تفسیر موضوعی، انتخاب موضوع یا مسئله است. درباره ویژگی‌های موضوع و منبع انتخاب آن، برخی قرآن‌پژوهان بر منبع خاص یا ویژگی‌های معینی تأکید کرده‌اند. شهید صدر بر گزینش موضوع از متن زندگی

انسانی و داده‌های تجربی تأکید دارد (صدر، ۱۴۲۱ق، ص ۲۵-۲۸). در یک تقسیم‌بندی، موضوعات انتخابی در تفسیر موضوعی در دو دسته «درون‌متنی» و «برون‌متنی» جای می‌گیرند. موضوعات درون‌متنی از نص قرآن انتخاب می‌شوند و موضوعات برون‌متنی از متن جامعه‌گزینش می‌شوند و در واقع پرسش‌های برخاسته از تجربه بشری هستند (محمدی، ۱۳۷۵).

با بررسی عناوین موضوعاتی که آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی مطرح کرده‌اند، روشن می‌شود که هر دو استاد در انتخاب موضوعات، هم موضوعات درون‌متنی و هم موضوعات برون‌متنی را انتخاب نموده‌اند؛ اما در شیوه چینش این موضوعات، عملکرد یکسانی نداشته‌اند.

آیت‌الله مصباح یزدی می‌نویسد: می‌توان همه معارف قرآن را در قالب نظامی هماهنگ و پیوسته به هم براساس محوری واحد ملاحظه کرد و در آن قالب به شرح، تفسیر و بیان دیدگاه‌های قرآن پرداخت؛ همان‌گونه که در مجموعه معارف حاضر چنین شده است. دیگر آنکه موضوعات قرآن را در قالب سه محور (عقاید، احکام و اخلاق) دسته‌بندی کرد و زیرمحورهای گوناگون آنها را براساس آیات قرآن تبیین نمود. سوم آنکه موضوعات مطرح‌شده در قرآن را بدون طرح کلی و گسسته از هم بررسی نمود؛ مانند جهاد در قرآن، یا امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و مانند آن (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲).

آیت‌الله مصباح یزدی در ترتیب بیان موضوعات، ابتدا خدائشناسی، سپس جهان‌شناسی، آنگاه انسان‌شناسی، راه‌شناسی، راهنماشناسی، قرآن‌شناسی، اخلاق، برنامه‌های عبادی قرآن، احکام فردی قرآن و احکام اجتماعی قرآن را بررسی نموده است. ایشان در انتخاب موضوعات به اهمیت و جایگاه موضوعات توجه ویژه داشته است.

آیت‌الله جوادی آملی از قرآن کریم آغاز کرده است. جلد نخست تفسیر موضوعی ایشان «تفسیر قرآن در قرآن» است. سپس مبدأ و معاد، وحی، فطرت، نبوت، اخلاق و... از چینش موضوعات می‌توان فهمید ایشان با توجه به اینکه قرآن کریم حبل‌الله و ریسمان اتصال ما با خداست، از قرآن کریم آغاز کرده و در جلد‌های بعدی - به ترتیب - مباحث مبدأ و معاد، وحی، فطرت، نبوت، اخلاق، معرفت‌شناسی، صورت و سیرت، حیات حقیقی انسان، هدایت در قرآن، جامعه در قرآن، ادب توحیدی انبیا و... را بیان نموده است.

با مقایسه چینش ترتیب موضوعات، به نظر می‌رسد چینش آیت‌الله مصباح یزدی از مسائل مهم و اساسی دین شروع می‌شود و به ترتیب جایگاه موضوعات آورده شده است، درحالی‌که در ترتیب موضوعات آیت‌الله جوادی آملی اصل جایگاه موضوع مدنظر نیست. بنابراین در تفسیر موضوعی آیت‌الله جوادی آملی در جلد اول «تفسیر قرآن به قرآن» مورد بحث قرار گرفته، سپس در جلد دوم مبدأ و معاد آمده و پس از آن موضوع وحی، فطرت و سپس نبوت را مطرح شده است. به نظر می‌رسد آیت‌الله جوادی آملی به ضرورت بیان موضوعات برای مخاطب و مسائل روز توجه بیشتری داشته است. بدین‌روی، حتی موضوع مبدأ و معاد را بعد از بحث «تفسیر قرآن در قرآن» و نیز موضوع «نبوت» را بعد از بحث «فطرت» آورده است.

در بیشتر تفاسیر موضوعی توجه به نظم خاصی در تقدیم و تأخر موضوعات در نظر گرفته نشده و فقط به یک یا چند بخش از معارف قرآن پرداخته‌اند؛ اما در مجموعه معارف قرآن کریم، آیت‌الله مصباح یزدی برای بخش‌های گوناگون آموزه‌های قرآنی، نظام کلانی را مدنظر قرار داده که علاوه بر تنظیم هر بخش از آموزه‌های قرآنی ذیل یک عنوان کلی، عناوین کلی نیز دارای پیوند معقولی هستند و نظام جامعی را شکل می‌دهند که ارتباط منطقی یا طبیعی هریک با دیگر بخش‌ها تعیین شده است.

مجموعه گرانسنگ معارف قرآن، هم به لحاظ ساختاری و هم به لحاظ محتوایی از نوآوری برخوردار است. نوآوری ساختاری این مجموعه ارائه طرحی نو برای تنظیم ساختار کلان آموزه‌های قرآنی براساس الله‌محوری است. علاوه بر این، اشراف علمی استاد بر علوم انسانی و نظریه‌های جدید در این زمینه سبب شده است در این مجموعه آخرین نظریات مطرح در این علوم نیز مدنظر قرار گیرد و بر روزآمدی مباحث بیفزاید.

۲. شیوه جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات

مفسر در مرحله جمع‌آوری آیات باید بر تمام آیات قرآن اشراف داشته باشد و همه آیاتی را که به نحوی با موضوع منتخب^۱ مرتبط هستند، گردآوری کند؛ اعم از آنکه آیات پیوند لفظی با موضوع داشته باشند یا محتوایی.

آیت‌الله جوادی آملی در این باره نوشته است:

آیاتی که در آن زمینه وارد شده است، جمع‌آوری کند. در این مرحله آنچنان باید حضور ذهن درباره قرآن کریم داشته باشد که به مقدار وسع و به مقدار تکلیف، همه آیاتی که در این زمینه نظر دارند - نفیاً و اثباتاً - گردآوری کند و در این باره، بخصوص آیاتی که لفظاً آن موضوع را دربر دارند، اکتفا نکند، بلکه محتوای آیات را مورد توجه قرار دهد (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۶۱).

برای نمونه ایشان در بیان «ذر» در تفسیر آیه «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَ أَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ» (اعراف: ۱۷۲) و آیه فطرت «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم: ۳۰) بین این آیات ارتباط برقرار می‌کند و می‌نویسد: بین فطرت پاک و غیرمشوب به باطل با دین حنیف هیچ توافقی وجود ندارد. ایشان معتقد است: شهادت اولیه انسان همان ندای درونی فطرت است. بنابراین در تفسیر آیه «ذر» و آیه «فطرت» باید به ارتباط این آیات توجه کرد و این آیات را به کمک یکدیگر تفسیر نمود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ج ۱۲، ص ۱۲۲-۱۳۷؛ نیز برای مطالعه بیشتر، ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ص ۷۱ و ۲۷۲؛ ج ۳، ص ۲۱۷؛ ج ۶ ص ۱۱۶-۱۱۷؛ ج ۷، ص ۱۱۱ و ۱۳۱).

آیت‌الله جوادی آملی در جمع‌آوری آیات، تنها به آیات هم‌مضمون بسنده نکرده و نوع دیگری از ارتباط را در آیات جست‌وجو نموده است که رابطه «تقابل» با موضوع و ابعاد آن دارند؛ مثلاً در تفسیر موضوعی «توحید در قرآن»، بخش سوم کتاب شامل پنج فصل است که «شرک» و ابعاد آن تبیین نموده است. چون شرک نقطه مقابل توحید است، بنابراین آیاتی که در این باب مطرح شده، در تقابل با موضوع تفسیر، یعنی توحید و یکتاپرستی قرار دارد.

نمونه دیگر در تفسیر «هدایت در قرآن» است که در بخش پایانی کتاب، «ضالالت» و مسائل مربوط به آن را از منظر آیات و روایات بررسی کرده است. گاهی نیز اشاره می‌کند که با توجه به اهمیت مطلب و برای فهم بهتر یک موضوع، بجاست نقطه مقابل آن نیز بررسی شود؛ مثلاً در موضعی از تفسیر خود می‌نویسد:

برای اینکه معلوم شود مذکور خدا بودن چه اثری در انسان دارد و تا کجا وی را عروج می‌دهد، باید روشن شود منسی خدا بودن چه پیامد ناگواری در انسان دارد؛ زیرا یکی از راه‌های شناخت هر چیزی بررسی مقابل آن است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۱۶).

از نظر آیت‌الله جوادی آملی نقش تفسیر ترتیبی در گزینش و جمع‌آوری آیات، حائز اهمیت است؛ زیرا منابعی مثل «المعجم» و «کشف المطالب» فقط آیاتی را به مفسر نشان می‌دهند که لفظ مشترکی با موضوع منتخب داشته باشند، درحالی‌که برخی از آیات پیوند محتوایی با موضوع دارند و گزینش آنها به مدد آگاهی مفسر از مفاد مضمون تمام آیات است. به عبارت بهتر، کشف و گردآوری آیات با پشتوانه تفسیر ترتیبی آیات میسر است. ایشان می‌نویسد: اینک گفته شد تفسیر ترتیبی مقدم بر تفسیر موضوعی است، به خاطر آن است که اگر کسی خواست موضوعی را از نظر قرآن کریم بررسی کند، هرگز نمی‌تواند در محدوده «المعجم» یا «کشف المطالب» موضوعی را از قرآن استنباط کند و آن را به قرآن استناد دهد؛ چون خیلی از مسائل مربوط به آن موضوع با لغت ویژه آن موضوع بیان نشده است تا «المعجم» بتواند آن را ارائه نماید... (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۶).

آیت‌الله مصباح یزدی نیز در مرحله جمع‌آوری آیات، اکتفا به معاجم موضوعی و پیگیری موضوع از طریق کلیدواژه‌ها را رهن می‌داند و بر این نکته تصریح می‌کند که در بسیاری از موضوعات، دیدگاه قرآن از محتوای کلی آیات به دست می‌آید، بدون آنکه واژه مدنظر یا واژگان مترادف و متقارب آن در آیات به کار رفته باشد. علاوه بر این، برای استخراج آیات مربوط به هر موضوع مستقل، ضرورت دارد یک نوبت کل قرآن مطالعه شود و از بررسی چند موضوع مستقل، با هم و با یک بار مطالعه پرهیز گردد؛ زیرا مطالعه قرآن برای استخراج دو یا چند موضوع، سبب می‌شود که از بسیاری آیات مربوط به موضوع غافل بمانیم. در گزینش آیات نیز نباید تنها آیاتی که ارتباط آنها با موضوع قطعی است، ثبت شود، بلکه در این مرحله همه آیات مرتبط با موضوع یا مسئله، اعم از یقینی و احتمالی ثبت می‌گردد (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۱۶۱-۱۶۲).

یکی از امتیازات شیوه آیت‌الله مصباح یزدی در جمع‌آوری آیات و دسته‌بندی آیات براساس محوریت توحید در همه مباحث است. ایشان در خصوص شیوه جمع‌آوری آیات در تفسیر موضوعی، نوشته است: این شیوه می‌تواند به سه شکل صورت پذیرد:

۱. همه معارف قرآن را در قالب نظامی هماهنگ و پیوسته به هم براساس محوری واحد ملاحظه کنیم و در آن قالب به شرح، تفسیر و بیان دیدگاه‌های قرآن پردازیم؛ همان‌گونه که در مجموعه معارف قرآن حاضر چنین شده است.

۲. موضوعات قرآن را در قالب سه محور (عقاید، احکام و اخلاق) دسته‌بندی کنیم و زیرمجموعه‌های گوناگون آنها را براساس آیات قرآن تبیین نماییم.

۳. موضوعات مطرح‌شده در قرآن را بدون طرح کلی و گسسته از هم بررسی کنیم؛ مانند جهاد در قرآن، یا امر به معروف و نهی از منکر در قرآن و مانند آن (همان).

برای نمونه، ایشان در توضیح «امداد مؤمنان توسط فرشتگان»، ابتدا به آیه ۱۲۴ و ۱۲۵ آل عمران اشاره می‌کند: «إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمَدِّدَ رَبُّكُمْ بِثَلَاثَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُزْلَلِينَ بَلَىٰ إِنَّ تَصْبِرُوا وَ تَتَّقُوا وَ يَأْتُوكُمْ مِنْ قَوْرِهِمْ هَذَا يُمَدِّدُكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُسَوِّمِينَ».

سپس به آیه ۴ سورة «تحریم» استناد می‌نماید: «إِنْ تَوْبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَ جِبْرِيلُ وَ صَالِحُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةُ بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ».

همچنین به آیات ۶۹-۷۷ سورة «هود» و داستان قوم لوط و آمدن فرشتگان برای مژده به حضرت ابراهیم علیه السلام و نزول عذاب بر قوم لوط اشاره می‌کند و نیز به آیه ۲۴۸ «بقره» که در آن آمده است: فرشتگان تابوت بازمانده خاندان حضرت موسی و هارون را حمل می‌کنند... (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۴۲-۳۵۰).

۳. استفاده از قواعد تفسیری

«قواعد تفسیری» دستورالعمل‌هایی کلی برای تفسیر قرآن مبتنی بر مبانی متقن عقلی، نقلی و عقلایی‌اند که رعایت آنها تفسیر را ضابطه‌مند می‌کند و خطا و انحراف در فهم معنا را کاهش می‌دهد (مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹، ج ۸، ص ۳۳). در تفاسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی به قواعد تفسیری توجه شده است؛ قواعدی مانند: توجه به سیاق، بهره‌گیری از علوم ادبی، استفاده از اقوال سایر مفسران، استفاده از برهان‌های عقلی.

الف. توجه به سیاق

یکی از قواعد مهم در تفسیر آیات قرآن کریم، توجه به بافت و سیاق آیات است. از سیاق آیات به‌مثابه یکی از قرائن متصل در فهم کلام استفاده می‌شود (بابایی و دیگران، ۱۳۸۱، ص ۱۲۰). عالمان بلاغت برای «سیاق» انواعی را ذکر کرده‌اند:

۱. سیاق کلمات: در پی آمدن کلمه‌ها در ضمن یک جمله، پدید آورنده سیاق کلمات است.

۲. سیاق جمله‌ها: در پی هم آمدن جمله‌هایی که راجع به یک موضوع در یک مجلس بیان می‌شود، سیاق جمله‌ها را به وجود می‌آورد.

۳. سیاق آیات: در خصوص قرآن کریم، گاهی از پی آمدن آیات، سیاق آیات به‌دست می‌آید.

۴. سیاق سوره‌ها: از دنبال هم آمدن سوره‌ها این سیاق به‌دست می‌آید (رجبی، ۱۳۸۸).

آیت‌الله جوادی آملی درباره «سیاق» می‌نویسد:

اگر کسی خواست تفسیر موضوعی بگوید یا بنویسد، اگر آیه‌ای موضوع مورد نظر را دربر داشت، آن آیه را نباید منهای سیاق قبل و بعد بنگرد؛ باید سیاق و خصوصیت‌های موردی آیه را در نظر داشته باشد تا بگوید که این آیه فلان مطلب را تا این حد بیان می‌کند. بنابراین، تفسیر موضوعی بدون تفسیر ترتیبی میسر نیست. زمانی ممکن است انسان موضوع شناس باشد و موضوعی را از قرآن کریم استنباط کند که اول تفسیر ترتیبی را گذرانده باشد و هر آیه‌ای را با ملاحظه صدر و ذیل آن بحث در نظر بگیرد (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۶۱).

آیت‌الله مصباح یزدی در این باره می‌نویسد:

باید توجه داشت هنگامی که ما آیه‌ای را از سیاق ویژه آن خارج کردیم و آن را تنها و بدون رعایت قبل و بعد در نظر گرفتیم، ممکن است مفاد واقعی‌اش به دست نیاید. به عبارت دیگر، آیات قرآن «قراین کلامی» دارند که گاهی در آیه قبل و گاهی در آیه بعد و حتی گاهی در سوره‌ای دیگر یافت می‌شود و بدون توجه به این قراین، مفاد واقعی آیات به دست نمی‌آید. برای اینکه به این محذور دچار نشویم و آیات مثله و تکه تکه نشود و از مفاد واقعی‌اش خارج نگردد، باید بسیار دقت کنیم؛ یعنی هنگامی که می‌خواهیم آیه‌ای را زیر موضوع و عنوانی قرار دهیم، باید آیات قبل و بعد را نیز در نظر بگیریم و اگر احتمال می‌دهیم که در آیات قبل و بعد، قرینه‌ای وجود دارد، آنها را نیز ذکر کنیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۲).

خداوند در آیه ۷۴ سوره «نحل» می‌فرماید: «فَلَاتَنْزِرُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»؛ پس برای خدا امثال (و شبیه‌ها) قائل نشوید! خدا می‌داند و شما نمی‌دانید.

برخی از این آیه استفاده کرده‌اند که شناخت خدا غیر ممکن است. آیت‌الله مصباح یزدی در توضیح معنای آیه شریفه، استدلال به این آیه را ناتمام دانسته، قائل است به اینکه سیاق آیه نشان می‌دهد توصیف خداوند متعال از راه تشبیه به آفریدگان^{۱۰} نارواست، درحالی که موضوع بحث ما وصفی همراه با تنزیه است؛ یعنی خدا را دارای اوصاف کمالی بدانیم و او را از کاستی‌های موجود در اوصاف آفریدگان، بری قلمداد کنیم (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۱۴۰).

در تفاسیر موضوعی هر دو مفسر توجه به سیاق مدنظر بوده و برای فهم آیات از آن استفاده شده است.

ب. بهره‌گیری از علوم ادبی

آیت‌الله مصباح یزدی در موارد متعددی در مجموعه معارف قرآن به نکات ادبی آیات توجه نموده است. برای نمونه در ذیل آیه ۹۹ سوره «انعام» به نکات ادبی آیه اشاره کرده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَانَ مُسْتَبَاهًا وَغَيْرَ مُشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ».

در این آیه نکته‌های دقیق ادبی وجود دارد: بر پیشانی آیه ضمیر غایب «هُوَ» آمده است و بعد با ضمیر متکلم جمع می‌فرماید: «فَأَخْرَجْنَا» که التفات از غیبت به متکلم است. گویا نکته این باشد که هنگام فرد آمدن آب از آسمان، به آسانی و زودی نمی‌توان پی برد که این کار خداست و دور از ذهن و نیازمند به برهان و استدلال است، اما هنگام رویدن و بالیدن گیاه، دست خدا روشن‌تر به چشم می‌آید. این یک حقیقت است که در موجودات زنده، پیدایش حیات و آثار حیات زودتر انسان را متوجه خدا می‌کند تا در جمادات. اگر با دلی زلال، به رویش یک گیاه بنگریم و دقت کنیم زود متوجه خدا خواهیم شد. شاید ذکر برخی آیات برای بیدار کردن انسان و به آگاهی رساندن معرفت فطری و ناآگاهانه او باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۷۳).

نیز در ذیل آیه ۱۳ سوره مبارکه «رعد» از نکات ادبی برای توضیح و تبیین آیه استفاده کرده است: «وَوَيْسَجُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» و تندر تسبیح‌گوی اوست، از سر سپاس و بزرگداشت، و فرشتگان (نیز تسبیح او گویند) از بیم وی، و صاعقه‌ها را گسیل می‌دارد و به هر کس خواهد، برخورد خواهد داد، و آنان در خدا ستیزه دارند و خدا سترگ‌نیروست.

نکته‌هایی عجیب در این آیه وجود دارد که مجال واری آنها نیست؛ از جمله اینکه تسبیح رعد چیست؟ برخی نادانان و ناآشنایان با ادب و لغت عربی، «تسبیح» را از ماده «سباحه» به معنای «شناوری» گرفته و گفته‌اند: تسبیح اشیا تکامل آنهاست. یک عرب ساده نیز به این افراد می‌خندد؛ زیرا مفهوم «تسبیح» هیچ ربطی به شنا و تکامل و مانند آن ندارد. «تسبیح» یعنی: خدا را منزّه شمردن (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۲۶۱؛ همچنین برای مطالعه بیشتر، ر.ک: همان، ص ۴۵۹).

آیت‌الله جوادی آملی نیز در خصوص اهمیت علوم ادبی در تفسیر قرآن کریم گفته‌اند:

خدای سبحان با صنعت ادبی ویژه وحی، سطح ادبیات عرب را ارتقا داد و با شواهد و قراین خاص، ظرفیت آن را توسعه بخشید و سپس مظلوف سپهری را به نحو تجلی - نه تجافی - در ظرف زمینی ریخت و بیوند بخش طبیعی ظرف را به سمت و سوی فراطبیعی آن حفظ کرد (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱۶).

در جای دیگر، ایشان درباره لزوم استخراج صنعت ادبی ویژه وحی و ارتباط معارف اسلامی با آن ابزار می‌نویسد: ابزار مفاهمه مطالب قرآن واژگان عربی است و همه علوم پایه برای مطالب اسلامی از متون دینی که به زبان عربی است، فقط در محدوده قوانین ادبی عرب کاربرد دارد... برای نیل به بلندای معارف الهی باید کاملاً دقیق بود که پیام ویژه قرآن و فرهنگ مخصوص وحی را تا آنجا که ممکن است، بدون تصرف در واژگان عرب به نحو توسع، از همان قانون بهره‌مند شد و اما فراتر از آن منطقه که ظرفیت لغت و ادبیات عرب تاب آن مظلوف رفیع و عمیق را ندارد، باید صنعت ادبی ویژه وحی که خداوند سبحان آن را در کالبد واژگان عرب اعمال کرد، ملاحظه شود و با آن ابزار، معارف اسلامی از

متون استنباط شود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱۸؛ نیز برای مطالعه بیشتر، رک: همو، ۱۳۷۸، ص ۳۹۱-۳۹۲؛ ج ۱، ص ۲۱۱ ج ۳، ص ۱۹۱-۱۹۶).

بنابراین هر دو مفسر به نکات ادبی توجه لازم داشته و گاهی که لازم دانسته‌اند، به این بحث پرداخته‌اند.

ج. استفاده از اقوال سایر مفسران

آیت‌الله مصباح یزدی در موارد متعددی متعرض دیدگاه مفسران فریقین شده و به‌ویژه دیدگاه‌های استاد خویش علامه طباطبائی را مکرر آورده و گاهی هم ادله‌ای برای رد آن ذکر نموده که این نشانه آزاداندیشی ایشان در اظهارنظرها و دیدگاه‌های ایشان است.

ایشان در ذیل آیه ۲۴۴ سوره مبارکه «بقره» «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» می‌نویسد: تعبیر «ألم تر» در بسیاری از آیات آمده و بنا به گفته مفسران، به معنای «ألم تعلم» است؛ یعنی گاهی که مطلب روشن است، علم به آن «رویت» نامیده می‌شود؛ مثلاً درباره آفرینش زمین و آسمان‌ها می‌فرماید: «آیا ندیدید که خداوند زمین و آسمان‌ها را چگونه آفرید؟» پیداست کسی آنجا نبوده است که ببیند! یعنی: آیا نمی‌دانید؟ زمخسری می‌نویسد: «ألم تر» در حکم یک اصطلاح است. منظور از آن - درواقع - نه علم است و نه رویت، بلکه در مقام تعجب چنین گفته می‌شود. در عربی نمونه‌های مشابه بسیاری دارد؛ مثل «أرأيتكم» که چند جا آمده و مفسران همه‌جا آن را «أخبرني» معنی کرده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۷۶).

آیت‌الله مصباح یزدی در بیان دلیل عقلی بر وجود خدا در قرآن، دیدگاه‌های مفسران را بررسی کرده و چنین آورده است:

نخستین مسئله‌ای که در بخش خداشناسی در قرآن مطرح می‌شود این است که آیا در قرآن کریم برای اثبات وجود خدا استدلال شده است، یا نه؟ بسیاری از مفسران، مخصوصاً کسانی که قدمی در علم کلام برداشته‌اند، مثل فخر رازی آیات زیادی از قرآن را (از جمله تقریباً تمام آیاتی که مشتمل بر آیات تکوینی الهی است) ناظر به اثبات وجود خدا دانسته و مفاد آنها را به صورت براهینی درآورده‌اند که بازگشت اکثر آنها به «برهان نظم» است. در برابر ایشان، دسته دیگری از مفسران معتقدند که قرآن کریم وجود خدا را بی‌نیاز از استدلال دانسته و در صدد اثبات آن برنیامده است و براهینی که دسته اول ادعا کرده‌اند، یا در مقام اثبات توحید و نفی شرک است یا اینکه اساساً به صورت برهان در قرآن نیامده است، و این مفسران هستند که پاره‌ای از بیانات قرآنی را با ضمیمه کردن مقدمات دیگری به صورت برهان درآورده‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۳۳؛ نیز، رک: همان، ج ۱، ص ۴۲، ۴۳ و ۴۴).

آیت‌الله جوادی آملی نیز در موارد متعددی دیدگاه مفسران، به‌ویژه دیدگاه‌های علامه طباطبائی را بررسی کرده و گاهی با آن موافقت نموده و استدلال ایشان را در بیان معانی آیات پذیرفته و گاهی هم دیدگاه‌های مفسران را به چالش کشیده و دلایل مفسران را در بیان معنای مقصود از آیات ناکافی دانسته است.

ایشان در بیان «حشر با محبوب» در قیامت، در توضیح آیه ۳۱ سوره «آل عمران»، دیدگاه علامه طباطبائی را پسندیده که آیه بدین معناست که اگر می‌خواهید در بندگی خداوند براساس حب واقعی، خالص باشید، از شریعت اسلام که براساس «حب» پایه‌گذاری شده است، پیروی کنید؛ حب و عشقی که نماد آن اخلاص و اسلام، یعنی همان صراط مستقیم خداست؛ صراطی که پوینده آن را به خداوند متعال می‌رساند. پس اگر از راه من [پیامبر] با این ویژگی (یادشده) پیروی کنید، حق تعالی شما را دوست می‌دارد و به شما عشق می‌ورزد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۶۳؛ نیز ر.ک: همان، ج ۱، ص ۲۷؛ ج ۱۲، ص ۲۸۱؛ ج ۱۸، ص ۱۱۷).

د. بهره‌گیری از روایات

آیت‌الله مصباح یزدی در بیان استفاده مفسران از روایات می‌نویسد: گاهی مفسر فقط روایات را گردآوری می‌کند؛ مانند تفسیر نورالتقلین، البرهان، و الدر المشهور، ولی این کار - در واقع - یک فعالیت تفسیری نیست، نوعی گردآوری و گزینش روایات است که به بررسی سند یا دلالت روایات نمی‌پردازد. گاهی هم همراه با نقل حدیث، آن را بررسی می‌کند؛ شبیه کاری که فقیهان در باب روایات فقهی انجام می‌دهند؛ یعنی بررسی اسناد از نظر ثقه بودن رجال سند و نیز بررسی دلالت متن از نظر عام و خاص بودن. این روش پژوهش روایی است، نه تفسیر قرآن؛ زیرا در ذیل بسیاری از آیات، حدیثی از معصومان علیهم‌السلام نقل نشده است. بنابراین معنای آیاتی که روایتی در ذیل آنها نرسیده، همچنان مبهم خواهد ماند (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۱۵۱-۱۵۲).

بنابراین ایشان از روایت نیز به‌منزله یکی از منابع تفسیر استفاده کرده و در کنار این، از منابع دیگر، مانند آیات دیگر قرآن کریم و قراین عقلی و غیرعقلی در تفسیر آیات بهره برده است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۶، ص ۱۵۸).

آیت‌الله مصباح یزدی در توضیح برخی آیات، به روایات استناد می‌نماید. در آیه ۵۹ سوره «آل عمران» آمده است: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ»؛ مثل عیسی نزد خداوند، همچون آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او فرمود «باش»، او هم فوراً موجود شد.

ایشان برای توضیح آیه به روایتی استناد می‌کند که پس از سرکوب شدن بسیاری از مشرکان و گسترش نسبی اسلام، نصرای نجران هیأتی را برای مباحثه به مدینه فرستادند که «وفد نجران» نام دارد. آنان به مسجد مدینه آمدند و نخست عبادت خود را انجام دادند و سپس با پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم گفت‌وگو کردند:

شما فرزند که هستید؟

- عبدالله.

موسی پسر که بود؟

- عمران.

عیسی پسر کیست؟

– بنا به روایت، پیامبر ﷺ مکث کردند و آیه مذکور نازل شد: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ». یهودیان می‌گفتند: عیسی به‌طور نامشروع – العیاذ بالله – به دنیا آمده است، ولی پیامبر اکرم ﷺ دامان حضرت مریم ﷺ را از تهمت یهود پاک ساخت و پذیرفت که حضرت عیسی ﷺ پدر انسانی نداشت. مسیحیان می‌گفتند: حال که حضرت عیسی ﷺ پدر انسانی ندارد، پس پدرش خداست. آیه در مقام پاسخ به این شبهه نازل شد: آیا شما معتقد نیستید که آدم پدر ندارد؟ عیسی هم مثل اوست. همان‌گونه که او پدر نداشت و شما قبول دارید، عیسی نیز پدری ندارد و به امر خدا موجود شده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۴۲–۴۳؛ همچنین ر.ک: همان، ص ۸۵؛ ج ۵، ص ۱۹۷و۵).

آیت‌الله جوادی آملی نیز برای تفسیر آیات، از روایات بهره گرفته است. ایشان در بیان آیات «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» (بینه: ۷۶) می‌نویسد: پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: آیه ششم «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا... أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ» درباره دشمنان حضرت علی ﷺ است و مقصود از آیه بعدی «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا... أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ» حضرت علی ﷺ و پیروان ایشان است (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۳۳۲؛ برای مشاهده موارد بیشتر، ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱۱، ص ۲۳۳؛ ج ۱، ص ۱۱۳–۱۳۱ و ۲۱۱).

دیدگاه دو مفسر گرانقدر در استفاده از روایات منطبق بر هم است و تفاوتی در دیدگاه هایشان وجود ندارد.

هـ. استفاده از برهان‌های عقلی

با توجه به اینکه *آیت‌الله مصباح یزدی* و *آیت‌الله جوادی آملی* هر دو از شاگردان برجسته علامه طباطبائی به‌شمار می‌آیند و علوم عقلی را از محضر علامه طباطبائی فراگرفته‌اند، دیدگاه نسبتاً نزدیکی نسبت به استفاده از برهان‌های عقلی دارند و گرایش تفسیر عقلی در تفسیر هر دو مفسر به چشم می‌خورد.

آیت‌الله مصباح یزدی عقل را از منابع تفسیر قرآن کریم دانسته و معتقد است: عقل نیرویی است که انسان به کمک آن می‌تواند حقایق را بشناسد و مجهولات را از خلال امور بدیهی و داده‌های قطعی علوم دیگر معلوم سازد. ایشان در این باره می‌نویسد: قضایای بدیهی که منحصر در امور معدودی هستند، همراه با قضایای یقینی نظری که به وسیله قضایای بدیهی اثبات می‌شوند، به عقل کمک می‌کنند تا حقایق را دریابد. به قضایای بدیهی، «قضایای فطری» هم گفته می‌شود که البته این تعبیر محل تأمل است؛ اما با تسامح می‌توان گفت: بدیهیات فطری سرمایه اصلی عقل هستند و به کمک آنها سایر قضایای قطعی در علوم طبیعی و انسانی و اجتماعی، نتیجه‌گیری می‌شود.

«عقل» به این معنا، از اختصاصات انسان است، اگرچه ممکن است بعضی از حیوانات از مرتبه ضعیفی از آن برخوردار باشند. «عقل» به این معنا و با این توان، نعمت بزرگی است مخصوص انسان که در کتاب و سنت بر

بهره‌مندی از آن و به کار گرفتن آن تشویق شده و این غیر از عقلانیتی است که بار منفی دارد و وحی و ماورای عقل انسان را مردود می‌شمارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ص ۶۷).

آیت‌الله مصباح یزدی در بیان تفسیر آیه «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا» (انبیاء: ۲۲) نوشته است:

اگر فرض می‌کردیم این عالم سیستم‌هایی است که هر کدام خدایی دارد، نظام این عالم از هم می‌پاشید، از بین می‌رفت، دوام نمی‌آورد؛ چون می‌بینیم این موجودات بدون احتیاج به موجودات دیگر تحقق پیدا نمی‌کنند و نمی‌توانند ادامه وجود بدهند و فاسد می‌شدند و از بین می‌رفتند. پس این وحدتی که در عالم حکم فرماست، از نظر نظام مشهود است و همه می‌توانند این را درک بکنند... این برهان علاوه بر وحدت خالقیت، وحدت ربوبیت را هم اثبات می‌کند. نه تنها اصل آفرینش از دو خدا نیست، تدبیر این جهان هم به دست دو خدا نیست (مصباح یزدی، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۷۱-۷۵).

آیت‌الله جوادی آملی نیز می‌نویسد:

عقل منبع دین، مانند نقل، باید اصیل و غیر محرف باشد؛ یعنی بر اساس همان اصول و ضوابط، اثبات‌گر اصل وجود مبدأ جهان - توحید و سایر مسائل حکمی و کلامی متقن مانند ضرورت وحی و نبوت و نیز قطعیت معاد - باشد. اگر مطلبی دارای همان نصاب یقینی و علمی باشد جزو منابع دین قرار می‌گیرد و می‌تواند به عنوان دلیل لبتی متصل یا منفصل باعث تقیید، اطلاق یا تخصیص عموم یا قرینه و شاهد مجاز در آیه یا روایت باشد (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۹۲).

آیت‌الله جوادی آملی در تبیین آیه «قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ» (سجده: ۱۱) می‌نویسد:

آیا انسان در مواقعی که خطر بزرگی در میان است و در مواردی که احتمال ضرر مهم می‌رود، نباید از ایجاد خطر و ضرر جلوگیری کند؟ انسان هر جا احتمال ضرر و خسارت مادی و دنیوی بدهد با همه وجود برای رفع آن می‌کوشد و حتی به گفته کودکان نیز مهر صحت می‌نهد. اگر انسان دروغگو یا کودکی به کسی بگوید عقربی در جامه توست، عقل با پیش‌بینی و دوراندیشی حکم می‌کند که جامه‌ات را کاوش کن، مبادا به تو آسیبی وارد آید! همچنین اگر به انسانی که قصد گذر از بیابانی دراز و تفتیده دارد، گفته شود: بیابانی بی‌آب و گیاه است و برای چند روز باید آب و غذا آماده کنی، آیا عقل به پیش‌بینی و دوراندیشی حکم نمی‌کند؟ قطعاً انسان در این گونه موارد، بیش از آنچه احتمال دارد، پیش‌بینی می‌کند. آیا جز این است که عقل فرمان به احتیاط داده است؟ (جوادی آملی، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۲۲؛ همچنین ر.ک. همان، ج ۱۸، ص ۱۷۱؛ ج ۱، ص ۱۹۱؛ ج ۱۷، ص ۱۷۱).

آیت‌الله جوادی آملی علاوه بر گرایش عقلی که در تفسیر ایشان به چشم می‌خورد دارای مشرب عرفانی نیز هست. بنابراین در بحث‌های تفسیری ایشان رنگ و بوی عرفانی نیز حضور دارد. در نتیجه می‌توان گفت: ایشان با رویکرد عرفانی - فلسفی به موضوعات نگریسته است (همان، ج ۹، ص ۹۸-۹۹؛ ج ۷، ص ۶۸؛ ج ۶، ص ۲۶۱-۲۶۶؛ ج ۱۳، ص ۲۹۷).

نتیجه‌گیری

«تفسیر موضوعی» به معنای بیان مفاد واژگان و عبارات آیات قرآن کریم و پرده برداشتن از مراد خداوند در موضوعی از موضوعات با بهره‌گیری از مجموعه آیات مرتبط با آن موضوع و براساس روش گفت‌وگوی عقلایی و ادبیات زبان عربی است.

با مقایسه روش و مراحل تفسیر موضوعی دو مفسر گرانقدر آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی، وجوه تشابه و تمایز در شیوه انتخاب و ترتیب موضوعات، جمع‌آوری آیات و استفاده از قواعد و منابع تفاسیری به دست می‌آید.

در شیوه انتخاب و ترتیب موضوعات با بررسی تفاسیر استادان گرانقدر، روشن می‌شود که هر دو استاد در انتخاب موضوعات، هم موضوعات درون‌متنی و هم موضوعات برون‌متنی را انتخاب کرده‌اند؛ اما در شیوه چینش این موضوعات، یکسان عمل نکرده‌اند. چینش آیت‌الله مصباح یزدی از مسائل مهم و اساسی دین شروع می‌شود و به ترتیب جایگاه موضوعات آورده شده، در حالی که در ترتیب موضوعات آیت‌الله جوادی آملی اصل جایگاه موضوع مدنظر نیست.

یکی از امتیازات شیوه آیت‌الله مصباح یزدی در جمع‌آوری و دسته‌بندی آیات، محوریت «توحید» در همه مباحث است.

در تفاسیر موضوعی آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی به قواعد تفسیری توجه شده است؛ قواعدی مانند توجه به سیاق، بهره‌گیری از علوم ادبی، استفاده از اقوال سایر مفسران، استفاده از برهان‌های عقلی. در تفاسیر موضوعی هر دو استاد گرانقد توجه به سیاق مدنظر بوده و برای فهم آیات از آن استفاده شده است. هر دو مفسر به نکات ادبی توجه لازم داشته‌اند و هر جا لازم دانسته‌اند به این بحث پرداخته‌اند.

آیت‌الله مصباح یزدی در موارد متعددی، متعرض دیدگاه مفسران شیعه و سنی شده، به‌ویژه دیدگاه‌های استاد خویش علامه طباطبائی را در موارد متعددی ذکر کرده و در برخی موارد ادله‌ای برای رد آن آورده و این نشانه آزاداندیشی در اظهارنظرها و دیدگاه‌های ایشان است.

دیدگاه دو مفسر در استفاده از روایات بر هم منطبق است و تفاوتی در دیدگاه‌هایشان وجود ندارد. با توجه به اینکه آیت‌الله مصباح یزدی و آیت‌الله جوادی آملی هر دو از شاگردان برجسته علامه طباطبائی به‌شمار می‌آیند و علوم عقلی را از محضر ایشان فرا گرفته‌اند، دیدگاه نسبتاً نزدیکی در خصوص استفاده از برهان‌های عقلی دارند و گرایش تفسیر عقلی در تفسیر هر دو مفسر به چشم می‌خورد.

منابع

- ابطحی، سیدمحمدباقر، ۱۳۸۹، *المدخل الى التفسير الموضوعی للقرآن الکریم*، نجف، مطبعة الآداب.
- بابایی، علی اکبر و دیگران، (۱۳۸۱)، *مکاتب تفسیری*، قم، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- پایگاه اطلاع رسانی آیت الله مصباح یزدی، mesbahyazdi.ir
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۱، *در آینه جلال و جمال*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۷۸، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۷۹، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- _____، ۱۳۸۹، *تفسیر تسنیم*، قم، اسراء.
- رامیار، محمود، ۱۳۶۱، *فرهنگ موضوعی قرآن کریم*، تهران، صحفی.
- رجبی، محمود، ۱۳۸۸، «تفسیر موضوعی قرآن از منظر استاد محمدتقی مصباح»، *قرآن شناخت*، ش ۴، ص ۱۱۱-۱۴۶.
- _____، ۱۳۹۹/۱۰/۲۵، *تفسیر موضوعی آیت الله مصباح یزدی*، در: www.hawzahnews.com
- سبحانی، جعفر، ۱۳۸۳، *مُشور جاوید قرآن*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
- صدر، سیدمحمدباقر، ۱۴۲۱ق، *المدرسة القرآنية*، به کوشش لجنة التحقيق، قم، مرکز الابحاث والدراسات.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۳ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، بیروت، اعلمی.
- عمری، احمد جمال، ۱۴۰۶ق، *دراسات فی التفسیر الموضوعی للقصص القرآنی*، قاهره، مطبعة المدنی.
- فانی، کامران و بهاء الدین خرمشاهی، ۱۳۹۰، *فرهنگ موضوعی قرآن مجید*، تهران، ناهید.
- فؤاد عبدالباقی، محمد، ۱۳۶۴، *المعجم المفهرس لألفاظ القرآن الکریم*، تهران، اسماعیلیان.
- محمدی، ابوطالب، ۱۳۷۵، «منابع و روش های تفسیر موضوعی در سده چهاردهم»، *پژوهشهای قرآنی*، ش ۷ و ۸، ص ۱۵۰-۱۷۷.
- مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ۱۳۸۹، *دائرة المعارف قرآن کریم*، قم، بوستان کتاب.
- مسلم، مصطفی، ۱۴۱۰ق، *مباحث فی التفسیر الموضوعی*، دمشق، دارالقلم.
- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۷۰، *آموزش فلسفه*، چ هفتم، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- _____، ۱۳۷۳، *معارف قرآن*، قم، در راه حق.
- _____، ۱۳۸۰، *اندیشه های بنیادین اسلامی*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- _____، ۱۳۹۸، *معارف قرآن*، قم، در راه حق.
- معادیخواه، عبدالمجید، ۱۳۷۸، *فروع بی پایان*، تهران، ذره.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۷۳، *تفسیر و مفسران*، قم، التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *پیام قرآن*، قم، مدرسه امام علی بن ابیطالب علیه السلام.